

فصلنامه‌ی مطالعات تاریخ ایران اسلامی

سال اول - شماره اول - بهار ۱۳۹۱

بازخوانی و بررسی یک سند تاریخی*

محسن بهرام‌نژاد
استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

چکیده

پژوهش حاضر به معرفی یک فرمان از دوران حکومت شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ق.) اختصاص یافته است. اصل این فرمان تا کنون به دست نیامده، اما سواد آن در منشآت خطی میر محمد حسین تفرشی موجود است. موضوع این فرمان در میان اسناد صفوی در نوع خود بی نظیر است. چنان که بر اساس آن، شاه صفی به صفی قلی خان، بیگلربیگی عراق عرب و همدان دستور داده تا دخترش را به عقد ازدواج حیدربیگ فرزند زینل خان شاملو درآورده، و بدین شیوه به اختلافات خود خاتمه دهند. تحلیل محتوایی سند و بررسی جایگاه سیاسی و نظامی زینل خان و صفی قلی خان در عصر صفوی اهداف این تحقیق می‌باشند.

واژگان کلیدی:

شاه صفی، صفی قلی خان، زینل خان شاملو، فرمان، رقم.

* - تاریخ دریافت: ۸۹/۰۷/۲۳ تاریخ تصویب: ۹۰/۰۱/۱۵

مقدمه

در مجموعه منشآت‌ای که به میرمحمدحسین تفرشی منسوب است سواد چهار فرمان وجود دارد که به لحاظ تاریخی ارزشمند بوده و معرفی و انتشار آن نیز می‌تواند مورد استفاده پژوهش‌گران و علاقه‌مندان به اسناد تاریخی قرار گیرد. این مجموعه که نسخه خطی آن در حال حاضر در کتابخانه ملی اتریش نگهداری می‌شود اغلب حاوی سواد نامه‌های اخوانی است و تنها صورت چهار فرمان در آن وجود دارد که متعلق به ابتدای سلطنت شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ هـ) بوده، و تفرشی نیز همه آنها را در دوران منشی‌گری خود کتابت و گردآوری نموده است (Flügl, 1865: 260-261/1). این چهار فرمان در مجموعه مورد اشاره تحت عنوان «رقم» آمده‌اند، و این واژه در اصطلاح دیوانی عصر صفوی به فرمان و حکم خاص پادشاه و در اشکال کتبی و شفاهی آن اطلاق می‌گردید، اما گاه از حکم و دستور شاهزادگان و وزیر دیوان اعلی نیز به رقم یاد می‌شده است. ارقام به لحاظ چگونگی تهیه و تدوین به سه نوع دفتری، بیاضی و مشافهه تقسیم می‌شدند (میرزا سمعی، ۱۳۶۸: ۶، ۲۶، ۴۴)، و از حیث موضوعی نیز مسائل مختلف اداری را شامل می‌گردید. مانند، رقم اجارات، استیفاء، امراء، ایالت و حکومت، تعیین مناصب، تنخواه، تنخواه براتی، موجب، تیول، سیورغال، طلب، مدد معاش، معافیات، ملازمت، مناصب، موجب، وظایف و همه ساله (همان، ۴، ۵، ۹، ۱۵، ۱۷، ۲۵، ۲۶، ۳۶، ۳۸). مطابق اظهار نویسندگان تذکره الملوک و دستورالملوک، ارقام به وسیله صاحب منصبی به نام رقم نویس تنظیم می‌شده است، و جایگاه او نیز در ساختار تشکیلات دیوانی صفویه در مجموعه تابعین مجلس نویس قرار داشت (همان، ۱۶-۱۵؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۰۵). زیر دستان مجلس نویس را ده نفر تشکیل می‌دادند که عبارتند از: رقم نویس دیوان اعلی یک نفر؛ دستیاران رقم نویس سه نفر؛ سررشته داران ثبت ارقام یک نفر؛ نامه نگار یک نفر؛ رقم نویس ارقامی که به مسوده دفاتر صادر می‌شد دو نفر؛ و دو نفر که به خدمات دفتری اشتغال داشته‌اند (سمسار، ۱۳۴۷: ۱۳۴). بی شک تفرشی را می‌توان از رقم نویس عصر شاه صفی اول معرفی کرد. هرچند که خود به این موضوع آشکارا اشاره‌ای ندارد، اما می‌دانیم که او در دوران حیاتش به عنوان یک منشی خوب شهرت داشته (تفرشی، برگ ۹۱ ب؛ گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۱/۱۷۱)، و در ابتدای سلطنت شاه صفی نیز پس از آن که میرزا طاهر اردوبادی به مقام مجلس‌نویس منصوب شد تفرشی در خدمت او قرار داشته است (تفرشی، برگ ۱۳ الف-ب). با این وجود، دقیقاً معلوم نیست که تفرشی در میان مناصب دهگانه رقم نویس کدام منصب را بر عهده داشته است.

نخستین رقم یا فرمان شاه صفی در منشآت مورد اشاره خطاب به عیسی خان قورچی باشی است که مطابق آن، شاه صفی وی را به علت کهولت سن به هنگام حضور در دربار از رعایت آداب و تکلفات ظاهری معاف نموده است (همان، برگ‌های ۹۶ ب- ۹۷ الف). در رقم دوم شاه صفی از صفی قلی خان، بیگلربیگی عراق عرب خواسته است تا اختلافات خود را با زینل خان ایشیک آقاسی باشی* کنار گذاشته و دخترش را به عقد ازدواج حیدربیگ پسر زینل خان درآورد (همان، برگ ۹۷ الف-ب). بر اساس رقم سوم، ابوالقاسم بیگ ایواغلی که از مشاهیر طایفه شاملو بود لقب اتالیقی^۱ یافته است (همان، برگ‌های ۹۷ ب- ۹۸ الف). آخرین رقم نیز مربوط به رفع قورق خرید و فروش ابریشم^۲ در ایران است (همان، برگ ۹۸ الف).

فرمان نخست این مجموعه قبلاً از سوی نگارنده این نوشتار در تحقیق مستقلی معرفی شده است. از این رو برای آگاهی بیشتر، خوانندگان را به آن پژوهش راهنمایی می‌کنم.^۳ تحقیق حاضر نیز تنها شامل معرفی دومین رقم یا فرمان مورد اشاره در منشآت تفرشی است، و تاکنون نیز در جایی منتشر نشده، و محقق نیز علاوه بر معرفی و بیان خصوصیات محتوایی آن، کوشش نموده تا بر پایه منابع عصر صفوی گزارش مستندی از شرح حال مخاطبان اصلی فرمان، یعنی صفی قلی خان و زینل خان ارائه نماید.

متن فرمان یا رقم:

« آن که چون مکنون خاطر غیبی سرایر نواب همایون ما ایتلاف قلوب و التیام صدور کافه انام است، سیما غلامان و فدویان این درگاه که در مقام یک جهتی و یکسان‌نشینی ثابت قدم بوده وجهه همت ایشان در امتثال اوامر و نواهی شاهنشاهی یگانگی و یکتادلی باشد. لهذا شمه از مراسم بی‌دریغ شاهنشاهی شامل حال ایالت و شوکت پناه، نصفت و معدلت دستگاه، عالیجاه کمالاً للایاله والشوکه والاقبال صفی قلی خان قورچی باشی حضرت امیرالمؤمنین و امام المتقین اسدالله الغالب صلوات الله علیه و متولی مشهدين و بیگلربیگی عراق عرب و قلمرو علی شکر^۴ فرموده، مقرر فرمودیم که صبیبه جلیله خود را به درگاه گیتی‌پناه به حرم همایون فرستد که موافق قانون شریعت مقدسه در قید ازدواج خلف الخوانین العظام حیدربیگ ولد ایالت و شوکت و اقبال پناه، حشمت و عظمت و اجلال دستگاه، عالیجاه مجاهداً للایاله والعظمه والاقبال، زینل خان شاملو ایشیک آقاسی باشی سپهسالار درآوریم تا روابط ظاهری میانه این دو سلسله با تطابق معنوی صورت توافق پذیرفته، حقیقت یگانگی و اتحاد و یکدلی و وداد بر عالمیان روشن و هویدا گشته، توهم مغایرت ارتفاع پذیرد. تحریراً فی شهر فلان» (همان، برگ ۹۷ الف-ب).

چند نکته کوتاه در خصوص محتوای فرمان

سند مورد گفتگو نشان می‌دهد که ارقام عصر صفوی تنها انتصابات و مسائل مالی را شامل نمی‌شده است، بلکه گاهی پادشاه برای ابراز مرحمت و رضایت خود نسبت به اشخاص، و یا برای رفع اختلاف میان دو صاحب منصب به وسیله و بهانه‌ای همانند ازدواج، رقم صادر می‌نموده است.

چنان که مشخص است تاریخ صدور سند به درستی معلوم نیست، اما با توجه به این که زینل خان تنها تا تاریخ ذی‌حجه سال ۱۰۳۹ ق. زنده بوده است (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۹۴-۹۳)، بنابراین می‌توان گفت که این فرمان در ابتدای سلطنت شاه صفی و احتمالاً در سال (۱۰۳۸ ق.) صادر شده است. یعنی زمانی که زینل خان علاوه بر سمت سپهسالاری و ایشیک آقاسی باشی دیوان، همچنین وکالت پادشاه را در امور حکومت به عهده داشته (همان، ۴۳؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۲۱)، و دیگر آن که، هنوز حملات ترکان عثمانی به سرزمین‌های غربی ایران آغاز نشده، و شرایط آرامی بر قلمرو حکومتی صفی قلی خان از عراق عرب تا همدان حاکم بوده است.

اساساً صدور ارقام در آغاز سلطنت صفویان امر رایجی بود. شاردن به این مطلب اشاره دارد و اظهار می‌کند که وقتی پادشاهی در ایران به سلطنت می‌رسد به بیگلربیگی‌ها، حکام جزء، خوانین، امراء، وزراء و اغلب مأمورین دولتی حکمی به نام رقم و خلعت اعطا می‌کند، که موقعیت آنان را در محل خدمت خود مستحکم می‌ساخت (شاردن، ۱۳۷۵: ۵/۱۶۶۸). این مطلب مبین آن است که در ساختار حکومتی دولت صفوی ارقام از احکام یا فرامین درجه اول به شمار می‌آمده‌اند.

در این سند به مناصب مهم و مشهوری اشاره شده که نیازی به توضیح دیده نمی‌شود، اما درباره صفی قلی خان در کنار مقام بیگلربیگی^۵ او به دو سمت دیگری پرداخته شده که در خور توجه بوده و نیازمند مطالعه و بررسی بیشتری است. نخست، سمت قورچی باشی^۶ شهر نجف اشرف است که به عنوان سمتی مستقل از بیگلربیگی نام برده شده، و احتمالاً صفی قلی خان در زمان شاه عباس اول، به جهت آن که در فتوحات عراق عرب و اماکن مقدس از خود شجاعت و رشادت زیادی نشان داد به این مقام منصوب شده است. در حالی که این مقام خاص امیران ترک قزلباش بود، و مسلماً اصلاحات نظامی شاه عباس، امکان ارتقاء این غلام گرجی را به چنین مقامی فراهم آورده است. دوم، مقام متولی مشهدین یا آرامگاه دو امام بزرگوار شیعه به نام‌های امام موسی کاظم (ع) و امام محمد

فصلنامه‌ی مطالعات تاریخ ایران اسلامی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۱ / •

تقی (ع) مشهور به کاظمین یا کاظمیه است. مطابق متون دیوانی‌ای که از اواخر صفویه باقی مانده متولی از مناصب دینی به شمار می‌آمد و نصب و تعیین آن نیز در حوزه وظایف صدارت عامه و خاصه^۷ قرار داشت (میرزا سمعی، ۱۳۶۸: ۲، ۳؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۳)، و غالباً نیز متولیان اماکن مقدس همانند آرامگاه امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع) در مشهد و حضرت معصومه (س) در قم از میان سادات و یا شخصیت‌های دینی برگزیده می‌شدند، و از این جهت منابع صفوی به موردی اشاره ندارند که نشان دهد قبل از شاه عباس، افرادی از میان غلامان گرجی به عنوان متولی، مسئول اداره حرم امام شیعه و یا امام زاده‌ها در ایران شده باشند. بنابراین بر اساس سند مورد اشاره می‌توان گفت که صفی قلی خان در زمان صفوی و پس از فتح بغداد و عتبات عالیات، به عنوان یک غلام گرجی یک نمونه استثنایی است که هم قورچی باشی یک شهر دینی (نجف اشرف) بوده، و هم متولی مشهدین.

مطلب دیگری که در این فرمان قابل ملاحظه است اشاره به یک پیوند خانوادگی است که به امر شاه صفی میان صفی قلی خان و زینل بیگ صورت گرفته است. و آن را می‌توان شکلی از یک ازدواج سیاسی دانست که صرفاً به جهت رفع اختلافاتی که میان این دو شخصیت وجود داشته، منعقد گردیده است. البته منابع صفوی در این خصوص به هیچ مطلبی اشاره نمی‌کنند، اما می‌توان حدس زد که این اختلاف ریشه در تفاوت میان پایگاه اجتماعی هر یک از این دو رجل سیاسی و نظامی داشته است. چنان که یکی منسوب به غلامان گرجی است و آنها از عهد شاه عباس برکشیده شدند و فاتح بسیاری از جنگ‌ها در مقابله با ترکان عثمانی بودند. و دیگری از امیران طایفه شاملو بوده و وفاداری و خدمات آنها نیز نسبت به طریقت و فرمانروائی صفویه پیشینه‌ای دراز دارد. شاید بتوان گفت که برای زینل خان به عنوان سپهسالار صفوی^۸، جایگاهی را که صفی قلی خان به دنبال موفقیت‌های نظامی‌اش در فتح بغداد و شهرهای عراق در دوران شاه عباس به دست آورده و به شیر علی ملقب شده، و نیز در مقام بیگلر بیگی، حکومت آن نواحی را تا همدان عهده دار شده، غیرقابل تحمل بوده است. از این رو، چون زینل خان پس از مرگ شاه عباس در آغاز پادشاهی شاه صفی در مقام وکالت^۹، راتق و فاتق همه امور دولت شد، فرصت را مغتنم شمرد و کینه و دشمنی خویش را با صفی قلی خان که در میان گرجیان بعد از الله وردیخان شهرت و اقتدار بسیاری بهم رسانیده بود، آشکار ساخته تا شاید بتواند او را از شکوه و جلال خویش در قلمرو عراق عرب ساقط نماید. اما فرمان مورد گفتگو نشان می‌دهد که شاه صفی پس از آگاهی یافتن از این موضوع و برای جلوگیری از ادامه

رفتارهای خودسرانه و کینه‌توزانه زینل خان، حاکم بغداد صفی قلی خان را ملزم می‌کند که دخترش را به دربار فرستاده تا در حرم همایونی مطابق شریعت، بساط عقد دائمی او را با حیدریگ پسر زینل خان گسترانیده، و بدین شیوه «حقیقت یگانگی و اتحاد و یکدلی و وداد» آن دو چهره بزرگ نظامی را بر همگان آشکار سازد. با وجود این، هیچ‌گونه شواهدی وجود ندارد که نشان دهد این پیوند اتفاق افتاده است، اما گمان هم نمی‌رود که آن دو سردار در اجرای فرمان پادشاه کوتاهی نموده و چنین وصلتی هم صورت نگرفته باشد.

جایگاه صفی قلی خان در ساختار سیاسی حکومت صفوی

در خوانش و بررسی اسناد، دانستن این موضوع که سند مورد نظر خطاب به چه شخص و یا اشخاصی است از اهمیت زیادی برخوردار است. از این جهت، سندی که اساس این تحقیق را تشکیل می‌دهد مخاطب اصلی آن صفی قلی خان است، و در متن سند نیز به نام زینل خان شاملو و پسرش حیدریگ اشاره شده است. بر اساس این عقیده، در اینجا با استناد بر منابع صفوی به بررسی جایگاه هر کدام در ساختار سیاسی دولت صفوی پرداخته می‌شود. اما پیش از پرداختن به آنها، لازم است گفته شود که به رغم جستجوهایی که در منابع صفوی در خصوص شناخت هویت حیدریگ انجام گرفت هیچ‌گونه اطلاعاتی به دست نیامد. از این رو، مطالبی که در ذیل آمده تنها معرف شرح حال صفی قلی خان و زینل خان شاملو است.

«... صفی قلی خان ملقب به شیر علی ... ولد قورخمس سمخوتی ولد ملک میرمن است که از دین مسیحی تبرا نموده شرف اسلام یافته بود و طهماسب قلی بیگ عم او چندگاه در خدمت حضرت گیتی ستانی [شاه عباس اول] معزز و محترم و از زمره مقربان محفل اقدس بوده مشارالیه از اوان کودکی در خدمت آن حضرت نشو و نما یافته در سلک غلامان خاصه شریفه منسلک بود و چون جوهر کاردانی از سیمای او نمایان و قابل تربیت بود آن حضرت متوجه تربیت او گشته در اول حال رتبه ایالت و خانی یافته به جای حسن خان استاجلو بیگلربیگی قلمرو علی شکر گشت» (ترکمان، ۱۳۱۷: ۱۲۶). مطابق تاریخ عالم آرای عباسی، صفی قلی خان در سال (۱۰۳۰ ق.) حاکم همدان بوده است. اما دقیقاً معلوم نیست که در چه سالی به حکومت آن ناحیه منصوب گردید (ترکمان، ۱۳۸۲: ۹۵۹/۲). او در لشکرکشی شاه عباس به عراق عرب و فتح بغداد و نجف در بین سال‌های ۱۰۳۵-۱۰۳۲ ق. حضور داشت و از خود رشادت‌های بسیاری نشان داد. شاه عباس نیز «تولیت مشاهده مقدسه و خدمت روضات مطهرات از سارو سلطان تغییر یافته به صفی قلی خان

تفویض یافت و در ازاء مردانگی‌ها که از او در قلعه داری بغداد به ظهور آمد شیر علی لقب یافت» (همان، ۱۰۵۷، ۹۹۷ / ۲).

با شروع سلطنت شاه صفی در سال ۱۰۳۸ ق. از اعتبار و منزلت صفی قلی خان کاسته نشد. او به عنوان بیگلربیگی عراق عرب در مقام و موقعیت خود باقی ماند و در تقویت قلاع بغداد و تأمین امنیت آن به ویژه در برابر تعرضات و غارت‌گری‌های قبایل عرب تلاش‌های بسیاری انجام داد. یکی از آن قبایل که در این کار مشکلات بیشتری برای ساکنان منطقه به وجود آورده بودند اعراب بنی لام^۱ نام داشتند و صفی قلی خان در سال ۱۰۳۸ ق برای سرکوبی آنان نیرویی را به محل استقرارشان فرستاد و آنها «جمعی کثیر را به قتل آوردند و بیست هزار گوسفند و هفت هزار گاو و گاو میش و اسب از غنایم ایشان متصرف گشته به محل خود باز گردیدند» (اصفهانی، ۶۱). این قبایل با آغاز دور جدید لشکرکشی عثمانی‌ها به فرماندهی خسروپاشا به حوزه بغداد که همزمان با شروع حکومت شاه صفی بود با ترکان عثمانی همسو شده و با تهاجمات ایذایی خود اموال و دارایی مردم را غارت می‌نمودند. صفی قلی خان در این شرایط نیز در مقابله با آنان از هیچ کوششی دریغ نرورزید، به طوری که در سال ۱۰۳۹ ق. وقتی شنید جمعی از اعراب با عثمانی‌ها در حله جمع شده و به گردآوری آذوقه و اندوختن مایحتاج مشغول هستند گروهی از نظامیان تحت امر خود را به آن ناحیه فرستاد تا مانع از ادامه فعالیت‌های آنان گردند. آن گروه موفق شدند «یک هزار و هفت صد خروار بکسمات^{۱۱} و غلات و آذوقه» ای را که اعراب و ترکان متصرف و جمع آوری نموده بودند، به دست آورده و نیز در این رویارویی آنان را قلع و قمع کردند. هنگامی که شاه صفی از این پیروزی مطلع شد بسیار خوشحال گردید (همان، ۹۶).

ابوالمفاخر تفرشی، صاحب تاریخ شاه صفی، بدون آن که از نقش صفی قلی خان در مقابله با اعراب بنی لام سخنی بگوید تنها اقتدار وی را به عنوان یک سردار نظامی در رویارویی با خسروپاشا ستوده (ابوالمفاخر تفرشی، ۱۳۸۸: ۳۷)، و در یک جا نیز چنین آورده است که: «چون سردار روم قلعه مبارک [بغداد] را مرکزوار احاطه نمودند، اول مرتبه نامه محبت طراز به حاکم قلعه، خان بلند مکان، صفی قلی خان مشهور به شیر علی نوشته بودند که از روی یگانگی قلعه را بسپارند، و بر قاعده مستمر کل عراق عرب تا موصل و حلب در تصرف ایشان گذارند. حلال نمک اصلاً متوجه سخنان واهی ایشان نشده، و در حراست و محافظت قلعه سعی موفور به ظهور می‌رسانیدند» (همان، ۴۵-۱۷۳، ۴۴). میرمحمدحسین تفرشی نیز در تاریخ کوتاهی که از خود باقی گذاشته در بیان خصوصیات

صفی قلی خان همانند برادرش ابوالمفاخر تفرشی به موارد مشابهی اشاره می‌کند. با وجود این، یک تفاوت استثنایی میان آن دو مورخ در خصوص صفی قلی خان وجود دارد که در خور توجه است. و آن اشاره میرمحمدحسین تفرشی به مضمون نامه‌ای است که صفی قلی خان در زمان محاصره قلعه بغداد در سال ۱۰۳۹ ق. به شاه صفی نگاشته، و به او امید داده است که با وجود سی هزار سپاهی که از قلعه حراست می‌کنند جای هیچ گونه نگرانی‌ای در برابر تهدیدات ترکان عثمانی وجود ندارد. مضمون نامه چنین است: «... رومیه شومیه معاودت نموده به حوالی بغداد آمده عزم قلعه گیری دارند. اما به میامن الطاف شاهنشاه گیتی پناه اطراف و جوانب قلعه و حصار و برج و باره آن را غایت استحکام داده، قریب سی هزار سپاهی جرار در قلعه جمع اند، و آذوقه و سامان قلعه داری در غایت وفور و فراوانی است، و به دولت استظهار و اعتضاد ظل الهی آن مقدار مردم مردانه اخلاصمند در قلعه هست که بیرون رفته با آن گروه جنگ بتوانم کرد. لیکن مراسم حزم و احتیاط فروگذاشت ننموده از فرمان عالم مطیع بیرون شد نمی توانم نمود. خاطر مقدس از جانب قلعه بغداد داشته، مطمئن باشند که آنچه لازمه فدویت و جانسپاری است به فعل می آید» (میرمحمدحسین تفرشی، ۱۳۸۸: ۲۳۵-۲۳۴). شاه صفی نیز چون از شهادت و دلاوری صفی قلی خان آگاهی یافت، بعد از عقب نشینی خسروپاشا از عراق عرب وارد بغداد شد و «به قانون سابق ایالت آن ولایت دلگشا را به صفی قلی خان شفقت نمودند، و تولیت مشاهد مقدس [نیز] به ایشان مفوض گردید» (ابوالمفاخر تفرشی، ۱۳۸۸: ۵۷).

سرانجام صفی قلی خان در ماه جمادی الاخری سال ۱۰۴۰ ق در بغداد درگذشت. محمد معصوم اصفهانی گزارش می دهد که شاه صفی «از آن واقعه به غایت اندوهناک شدند. بنا بر آن که خدمات لایقه و آداب جانسپاری از آن غلام فدوی نوعی به عمل نیامده بود که بیان توان نمود...» (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۲۳؛ ابوالمفاخر تفرشی، ۱۳۸۸: ۷۰).

نویسنده خلدبرین گزارش می دهد که صفی قلی خان «... که در علم فلاحت و پیداکنندگی و نسق زراعت و عمارت و آبادانی متفرد و ممتاز بود مداخل و حاصل ولایات مذکوره را به انضمام یکدیگر گنجی بادآور نمود، چنانچه مداخل عراق عرب در زمان ایالت وی به هشتاد هزار تومان رسیده صرف مصارف جاه و جلال وی می گردید و جمعی کثیر از ارباب استحقاق و استیصال^{۱۲} هر ساله راتبه خوار خوان نوال و سیر چشم مواید انعام و افضال وی بودند و ملازمان صاحب ثروت و سامان که مداخل هر یک از ایشان به چندین هزار تومان می رسیده باشد، بسیار داشت. و بعد از امامقلی خان امیرالامرای

مملکت فارس، کم کسی از غلامان این آستان ولایت نشان قدم بر سُلّم بلند پایه عظمت و شأن گذشت» (واله اصفهانی، ۱۳۸۲: ۳۵۸).

جایگاه زینل خان شاملو در ساختار سیاسی حکومت صفوی

زینل خان از معتبران طایفه شاملو و از شخصیت های بزرگ نظامی عصر شاه عباس و شاه صفی اول بوده است. مطابق گزارش یک منبع قدیمی، زینل خان در سال ۱۰۱۵ ق حکومت ناحیه چورس واقع در غرب آذربایجان را به عهده داشته است (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۱۶۶). وی در سال ۱۰۲۹ ق هنگامی که شاه عباس اجازه داد تا سفیر هند، خان عالم به کشورش بازگردد از جانب پادشاه صفوی به عنوان فرستاده دولت ایران همراه با سفیر هند راهی دربار جهانگیر گردید. او، هم حامل پیام دوستی و هدایای با ارزشی برای پادشاه گورکانی هند بود، و هم مأموریت داشت تا در مذاکرات خود با جهانگیر، او را به ترک قندهار و بازگرداندن آن به قلمرو صفوی متقاعد سازد. زینل خان در انجام این مأموریت پیشرفتی نداشت، اما در همان زمان، شاه عباس با قوای نظامی خود به قندهار لشکر کشید و آن شهر را پس از بیست و هشت سال (۱۰۳۱-۱۰۰۳ ق) متصرف شد و به قلمرو ایران بازگرداند. زینل خان نیز که دیگر دلیلی برای ماندن در هند نمی دید از جهانگیر اجازه خواست و در سال (۱۰۳۲ ق) به ایران بازگشت (ترکمان، ۱۳۸۲: ۹۹۴-۹۹۳، ۹۵۱-۹۵۰ / ۲).

برخی از منابع، سمت زینل خان را در فاصله سال های ۱۰۳۴-۱۰۳۲ هـ توشمال باشی یا ناظر و بازرس مطبخ شاه و کلیه امور آشپزخانه یاد کرده اند (ترکمان، ۱۳۸۲: ۹۵۱-۹۵۰ / ۲؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۰۵).^{۱۳} شاه عباس در سال ۱۰۳۴ هـ زینل خان را به سمت سرداری و سپهسالاری سپاهیان منصوب کرد. او در این سمت و به فرمان شاه صفوی به بغداد لشکر کشید و موفق شد پس از شکست عثمانی ها بغداد را فتح کند (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۰۵۰-۱۰۴۹، ۱۰۴۷-۱۰۴۳، ۱۰۴۰-۹۹۷ / ۲؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۱۷-۲۱۳، ۲۰۹). شاه عباس در ازای خدمات و پیروزی های زینل خان در جنگ با ترکان عثمانی در سال (۱۰۳۷ ق) او را به مقام ایشیک آقاسی باشی گری دیوان منصوب کرده، و سپس الکای^{۱۴} ری را به وی اهداء نمود (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

پس از مرگ شاه عباس در سال ۱۰۳۸ هـ و جلوس شاه صفی بر تخت شاهی، زینل خان علاوه بر مقام سپهسالاری و ایشیک آقاسی باشی دیوان، به جهت آن که «راتق و فاتق مهمات دولت و امور سلطنت بود» به سمت وکالت سلطنت نیز منصوب گردید (اصفهانی،

۱۳۶۸: ۴۷؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۲۱)، و به او «قبای زربفت و مندیل تمام زر و چهار زری تمام زر و بالاپوش اندرون سمور زربفت و عصای مرصع» اعطا گردید (ابوالمفاخر تفرشی، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۴). اما میرمحمدحسین تفرشی تنها می‌نویسد که زینل خان در آغاز سلطنت شاه صفی «به انعام عصای مرصع اختصاص یافته طریق اتابکی پیشنهاد همت خویش نموده» (میرمحمدحسین تفرشی، ۱۳۸۸: ۲۲۲) چنان که به نظر می‌رسد، مراد از آن همان مقام وکالت وی در امر سلطنت شاه صفی است. زینل خان در همان سال پس از آن که از تهاجم عثمانی‌ها به سرداری خسروپاشا به اراضی غرب ایران و تصرف شهر زور آگاه شد، نیروهای قزلباش را گردآوری نموده و به سمت غرب حرکت کردند. او و سپاهیان در منطقه مریوان مستقر شدند، اما زینل خان در مقابله با عثمانی‌ها شکست خورد و مجبور شد از مریوان عقب‌نشینی کند (ابوالمفاخر تفرشی، ۱۳۸۸: ۴۱-۴۲). این حادثه همدان را بی‌دفاع ساخت و خسروپاشا به همراه نیروهایش به آن سمت حرکت کردند. اما سردار ترک با مقاومت قوای قزلباش مواجه شد و تنها موفق شدند تا ناحیه درجزین پیشروی کنند. خسرو پاشا چون تصرف همدان را غیر ممکن می‌دید از درجزین به عراق رفت و بغداد را محاصره نمود. شاه صفی نیز پس از شنیدن این خبر تصمیم گرفت فرماندهی مقابله با خسروپاشا را خود به عهده بگیرد. لذا کلیه نیروهای نظامی را در بیلاق اسفندآباد همدان گردآورد و از آنجا به سمت بغداد حرکت کردند. از سوی دیگر شاه صفی چون بی‌تدبیری و غرور زینل خان را عامل اصلی شکست سپاهیان در برابر خسروپاشا می‌دانست، لذا در چهارشنبه ششم ماه ذی‌الحجه سال (۱۰۳۹ق) در محلی به نام پرملو فرمان قتل او را صادر کرد و این حکم نیز به وسیله یکی از غلامان وی اجرا گردید (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۹۴-۹۳؛ ابوالمفاخر تفرشی، ۱۳۸۸: ۴۳؛ میرمحمدحسین تفرشی، ۱۳۸۸: ۲۳۳-۲۳۲؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۳۱-۲۲۹).

گفتنی است که در چهل ستون اصفهان سقف نگاره ای وجود دارد که موضوع آن پذیرایی شاه عباس اول از ولی محمدخان ازبک است. در این نقاشی دیواری، در کنار شاه عباس چهره زینل خان شاملو به تصویر کشیده شده است. (هنرفر، ۱۳۴۶: ۱۳۲).

نتیجه

بی‌شک مقوله ازدواج میان فرمانروایان و خاندان‌های سیاسی در سطوح مختلف آن، به منزله راهکاری برای دوری‌گزیدن از خصومت‌ها و تضادها امری مرسوم و متداول در تاریخ گذشته این سرزمین بوده است، و روایت گران تاریخ نیز در نوشته‌های خود، کم و

بیش به این نوع اتفاقات توجه نشان داده‌اند. اما فرمان مورد بررسی در این تحقیق از آن جهت حائز اهمیت است که نشان می‌دهد که زمامداری همانند شاه صفی در راستای حل این نوع کشمکش‌ها نه از طریق توصیه‌ها و دستورات شفاهی، بلکه از مجرای رسمی تری مبادرت به صدور فرمان نموده و به این نحو دو خانواده را مکلف به قبول آن کرده، و نیز حرم خویش را به عنوان ناظر در اجرای آن حکم، مسئول ساخته است. مسلماً از نگاه شاه صفی اثبات یک دلی این دو شخصیت به واسطه پیوند سببی میان فرزندان خود، می‌توانسته است مانع از انتقال و گسترش دامنه اختلافات آنها در سطح فراگیرتری میان مجموعه گرجیان و قزلباشان شود. اگرچه به نظر می‌رسد که مقاصد شاه صفی به دنبال صدور این فرمان تحقق یافته است، اما ماجرای فرمان پادشاه صفوی در قتل زینل خان شاملو که پس از مدتی کوتاه روی داد، و این مسأله ناشی از اهمال زینل خان در اعزام نیروهای قزلباش به غرب ایران، و نیز سستی او در حمایت از صفی قلی خان که در محاصره ترکان عثمانی قرار داشته، نشان می‌دهد که حکم پادشاه در از میان برداشتن کینه‌هایی که ریشه‌های آن در تعصبات قوم گرایانه قزلباش بسیار عمیق بود، تأثیری نداشته است.

یادداشت‌ها:

*ایشیک آقاسی باشی به معنی «رئیس سران درگاه» است و دو وظیفه بر عهده داشت: یکی آن که «در مجامع و مجالس عمومی سمت ریاست تشریفات داشت»، و از سوی دیگر «سرپرست دربانان و نگهبانان و آقاپان» بود (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۸۸).

۱- اتالیق در لغت به معنی مربی، لله و نگهبان است. و در اصطلاح و القاب عصر صفوی به کسی که «عارف به انساب و احساب گروه انبوه قزلباش [بود]، و بر حقایق دقایق جزئیات امور خلافت و سلطنت» صفوی آگاهی داشت، اطلاق می‌گردید (تفرشی، برگ ۹۷ و ۹۸ الف).

۲- خرید و فروش ابریشم در عهد شاه عباس اول در انحصار دولت و دیوان بود. شاه صفی این انحصار یا قورق دولتی را شکست و به تجار اجازه داد که ابریشم را آزادانه از رعایا به قیمتی که رضای طرفین است خریداری و معامله کنند. اسکندریبیک ترکمان از این موضوع به عنوان نخستین فرمانی یاد می‌کند که شاه صفی در ابتدای سلطنت خود صادر کرد (ترکمان، ۱۳۱۷: ۱۳).

۳- بهرام‌نژاد، محسن، (۱۳۸۸) «ماجرای قتل عیسی خان و فرزندانش: به بهانه معرفی یک سند تاریخی»، مزدک‌نامه ۲، جمشید کیان‌فر، پروین استخری، چاپ اول، تهران، خواهان، صص ۵۹۷-۵۸۳.

۴- مقصود همدان است. قندهار، شیروان، هرات، آذربایجان، چخورسعد، قراباغ و گنجه، استرآباد، کوه گیلویه، کرمان، مرو شاهی جهان، علی شکر، مشهد، قزوین از مناطق بیگلربیگی عهد صفوی بودند (میرزاسمیعا، ۵).

۵- بیگربیگی از امراء عظام دولت صفوی محسوب می شد و افراد مستقیماً از طرف پادشاه به این سمت منصوب می شدند. بیگربیگی یک منطقه وظیفه داشت بر عملکرد حکامی که در قلمرو او بودند نظارت کند و عزل و نصب آنها نیز با بیگربیگی بود (میرزا سمیعا، ۴).

۶- صاحب تذکرة الملوك می نویسد، قورچی باشی در مفهوم عمومی کلمه «ریش سفید قاطبه ایلات و اویماقات ممالک محروسه» به حساب می آمد (میرزا سمیعا، ۷). میرزا رفیعا ضمن تأیید همان مطلب می افزاید که قورچی باشی «از جمله مناصب قدیمه است» (میرزا رفیعا، ۱۸۹). مینورسکی می نویسد، «هنگامی که ایران قشون دائمی نداشت قورچی باشی در واقع به منزله وزیر جنگ به شمار می رفت و لقب و عنوان معمولی او امیرالامراء بود» (مینورسکی، ۸۵). فرماندهی سپاه قزلباش، رسیدگی به دادخواهی اعضای سپاه، تولیت مقبره پادشاهان صفوی، حفاظت از عقبه حرمسرا در طول سفرها، و حتی ارائه عریضه های مردم نواحی قفقاز شمالی داغستان از وظایف قورچی باشی در اواخر صفویه بوده است (مارچینکوفسکی، ۱۳۸۵: ۳۸۰).

۷- مقام صدر از مناصب دینی عهد صفوی است. «تعیین حکام شرع و مباشرین اوقاف تفویضی و ریش سفیدی جمیع سادات و علما و مدرسان و شیخ الاسلامان و پیش نمازان و قضات و متولیان و حفاظ و سایر خدمه مزارات و مدارس و مساجد و بقاع الخیر و وزرای اوقاف و نظار و مستوفیان و سایر عملة سرکار موقوفات و محرران و غسالان و حفاران با اوست» و همه آن وظایف، از امور شرعی و دینی محسوب می شدند. صدر خاصه عهده دار همه آن امور در ممالک خاصه بود. ممالک یا ولایاتی که در مالکیت پادشاه صفوی قرار داشت و امور اداری و مالی آن نیز به وسیله مباشران و ناظران نظارت می گردید. این ولایات عبارت بودند از: یزد، ابرقوه، نائین، اردستان، قومشه، نطنز، محلات، دلیجان، خوانسار، برورود، فریدن، رار، مزدج، کیار، چاپلق، جرفادقان، کمره، فراهان، کاشان، قم، ساوه، مازندران، استرآباد، کرایلی، حاجیلر، کبودجامه. صدر عامه یا صدر ممالک نیز عهده دار همان وظایف در کل ممالک محروسه از قبیل آذربایجان، فارس، عراق و خراسان بوده است (میرزا سمیعا، ۳-۲؛ میرزا رفیعا، ۱۷۵-۱۷۳).

۸- مقام سپهسالاری از مهم ترین و بالاترین مناصب صفوی به شمار می آمد. درباره این مقام در تذکرة الملوك مطلبی نیامده است، اما مؤلف دستورالملوک مدخل مستقلی را به بیان آن اختصاص داده است. او می نویسد، سپهسالار «از جمله امراء جانقی و بعد از قورچی باشی عمدة ارباب سلاح و در اسفار مأمور با تغییر و تبدیل حکام و سلاطین و سایر عساکر منصوره منوط به رأی و صواب دید عالی جاه مشارالیه است و هر گونه حکمی و امری که متعلق به مجادله و محاربه معرکه کارزار و جنگ و پیکار بوده به مشارالیه مفوض و مرجوع بود...» (میرزا رفیعا، ۱۹۲).

۹- مقام وکالت در عهد صفوی فراز و فرود بسیاری داشته است. در عهد شاه اسماعیل، وکیل که گاه از آن به وکیل نفس نفیس همایونی یاد شده در برابر وزیر دیوان اعلی از اهمیت و اعتبار بیشتری برخوردار بود. در اوایل حکومت شاه طهماسب اول وکیل، نماینده پادشاه در امور سلطنت و مسائل مالی و اداری جامعه به شمار می آمد. اما شاه طهماسب پس از مرگ معصوم بیگ صفوی در سال (۹۷۵ هـ) دیگر کسی را به منصب وکالت نگماشت. وضعیت این مقام تا پایان سلطنت شاه اسماعیل دوم در سال (۹۸۵ هـ) در متون تاریخی انعکاسی نیافته است. اما از زمان سلطان محمد خدابنده با انتصاب حمزه میرزا به «وکالت دیوان اعلی» بار دیگر آن مقام در تشکیلات دیوانی صفویه اهمیت می یابد. در آغاز پادشاهی شاه عباس اول مقام

فصلنامه‌ی مطالعات تاریخ ایران اسلامی؛ سال اول؛ شماره اول؛ بهار ۱۳۹۱/۱۳

وکیل که مرشدقلی خان به عهده داشت اقتدار بسیاری در امور ملکی و مالی به دست آورد. اما، چون مرشد قلی خان به امر شاه عباس در سال (۹۹۷ هـ.ق) به قتل رسید از اعتبار آن مقام کاسته شد و شاه صفوی نیز از میان ترکان و تاجیکان هیچ شخصی را به منصب وکالت منصوب نکرد. با این حال در ابتدای سلطنت شاه صفی مجدداً آن مقام مطرح شد و از سوی آن پادشاه زینل خان شاملو عهده دار «مهر وکالت» گردید. او در حقیقت آخرین فردی است که در دستگاه سیاسی صفویان صاحب چنین مقامی بوده است. نک: (مینورسکی، ۸۱-۸۲؛ سیوری، ۱۳۸۰: ۷۵-۷۰، ۹۷-۸۹).

۱۰- اعراب بنی لام شاخه‌ای از قبیله طی و از تیره قحطان و از عشایر عرب می باشند. این اعراب در حال حاضر در منطقه‌ی عماره عراق و خوزستان ایران زندگی می کنند(ذیل «بنی لام»، www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2).

۱۱- نوعی نان روغنی است که بیشتر مسافران، آن را جهت توشه راه بر می دارند(دهخدا، ذیل «بکسمات»).

۱۲- سزاوار و شایسته چیزی شدن(دهخدا، ذیل «استیغال»).

۱۳- درباره‌ی مقام توشمال باشی نگاه کنید به: تذکره الملوک، ص ۵۷؛ سازمان اداری حکومت صفوی، صص ۱۲۸-۱۲۹.

۱۴- الکا یا الگا قطعه زمینی بود که از طرف پادشاه صفوی به طور موقت در اختیار یک قبیله یا طایفه قزلباش قرار می داد تا از مزایای آن استفاده کند(مینورسکی، ۴۵).

منابع:

- ۱- اصفهانی، محمد معصوم بن خواجگی. (۱۳۶۸). «خلاصه السیر»، به اهتمام ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی.
- ۲- اوالی، سید صادق. (بی تا). «دائرة المعارف بزرگ اسلامی»، ذیل «بنی لام»: www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2
- ۳- بهرام نژاد، محسن. (۱۳۸۸). «ماجرای قتل عیسی خان و فرزندانش: به بهانه معرفی یک سند تاریخی»، مزدک نامه ۲، جمشید کیان فر، پروین استخری، چاپ اول، تهران، خواهان، صص ۵۹۷-۵۸۳.
- ۴- ترکمان، اسکندر بیگ. (۱۳۱۷). «ذیل تاریخ عالم آرای عباسی»، به اهتمام سهیل خوانساری، تهران، انتشارات اسلامیه.
- ۵- ترکمان، اسکندر بیگ. (۱۳۸۲). «تاریخ عالم آرای عباسی»، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
- ۶- تفرشی، ابوالمفاخر بن فضل الله الحسینی سوانح نگار؛ تفرشی، میرمحمد حسین. (۱۳۸۸). «تاریخ شاه صفی»، به انضمام مبادی تاریخ زمان نواب رضوان

- مکان (شاه صفی)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محسن بهرام نژاد، تهران، انتشارات میراث مکتوب.
- ۷- تفرشی، میرمحمد حسین، «مبادی تاریخ زمان نواب رضوان مکان(شاه صفی) و منشآت»، نسخه‌ی خطی، اتریش، کتابخانه وین، شماره MSÖN N.F50.
- ۸- رفیعا(میرزا). (۱۳۸۵). «دستورالملوک»، به کوشش و تصحیح: مارچینکوفسکی، ترجمه: علی کردآبادی، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- ۹- سمسار، محمدحسن. (۱۳۴۷). «فرمان نویسی در دوره صفویه»، مجله بررسیهای تاریخی، شماره ۶، سال دوم، صص ۱۵۲-۱۲۷.
- ۱۰- سمیعا(میرزا). (۱۳۶۸)، «تذکره الملوک»، به کوشش: سید محمد دبیر سیاقی، تهران، امیرکبیر.
- ۱۱- سیوری، راجر (۱۳۸۰)، «در باب صفویان»، ترجمه: رمضان علی روح الهی، تهران، نشرمرکز.
- ۱۲- شاردن، ژان. (۱۳۷۵). «سفرنامه شاردن»، ترجمه: اقبال یغمایی، ج ۵، تهران، توس.
- ۱۳- گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۳). «تاریخ تذکره‌های فارسی»، تهران، سنایی.
- ۱۴- منجم، ملا جلال الدین. (۱۳۶۶). «تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال»، به کوشش: سیف الله وحیدنیا، تهران، وحید.
- ۱۵- مینورسکی، ولادیمیر. (۱۳۶۸). «سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک»، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران، امیرکبیر.
- ۱۶- واله قزوینی اصفهانی، محمد یوسف. (۱۳۸۲). «ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم(تاریخ خلدبرین)»، به اهتمام: محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۱۷- وحید قزوینی اصفهانی، میرزا محمد طاهر (۱۳۸۳)، «تاریخ جهان آرای عباسی»، تصحیح: سیدسعیدمیرمحمد صادق، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۸- هنر فر، لطف الله. (۱۳۴۶). «اصفهان»، تهران، ابن سینا؛ فرانکلین.